





وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیرت تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ : گرایش ایران دوره اسلامی

عنوان پایان نامه

اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اصفهان از ظهور مغول تا پایان ایلخانان

استاد راهنما : دکتر الهامه مفتاح

استاد مشاور : دکتر احسان اشراقی

پژوهشگر : غلامرضا محسنی

ورودی : مهر ماه ۱۳۸۵

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	الف ، ب ، ج
الف) بیان موضوع، طرح مسأله ، سوالات و فرضیه پژوهش ..	۱.....
ب) اهداف تحقیق.....	۲
ج) پیشینه تحقیق.....	۳.....
د) بررسی منابع و مآخذ.....	۵.....
هـ) فصول تحقیق :	
فصل اول :	

الف) نگاهی به موقعیت جغرافیایی ،طبیعی و پیشینه تاریخ اصفهان

۱- بنیاد اصفهان.....	۱۹.....
۲- وجه تسمیه اصفهان.....	۲۲.....
۳- حدود وتوابع اصفهان دوره ی قبل از اسلام.....	۲۴.....
۴- حدود وتوابع جبال در دوره اسلامی.....	۲۵.....
۵- حدود وتوابع اصفهان دوره ی اسلامی.....	۲۷.....
الف - فیروزان.....	۳۰.....
ب - فارفا آن.....	۳۱.....
ج - اشترجان.....	۳۱.....
۶ - موقعیت جغرافیایی واهمیت اصفهان.....	۳۲.....
۷ - آب وهوای اصفهان.....	۳۴.....

ب) گذری بر تاریخ سیاسی اصفهان از آغاز تا دوره خوارزمشاهیان

۱- تاریخ اصفهان پیش از اسلام.....	۳۷.....
۲ - تاریخ اصفهان از ورود اعراب تا بر آمدن خوارزمشاهیان.....	۳۹.....
الف) اصفهان مقارن ورود اعراب تا روی کار آمدن خاندان های ایرانی.....	۳۹.....

- ب) اصفهان در دوران آل بویه..... ۴۱
- ج) اصفهان در دوران سلجوقیان..... ۴۳
- د) اصفهان و اسماعیلیان..... ۴۵
- هـ) اتابکان در اصفهان..... ۴۸

ج) حکومت خوارزمشاهی و مغولان بر ولایت اصفهان

- ۱ - تکش و محمد خوارزمشاه در اصفهان.. ۵۰
- ۲ - سلطان رکن الدین خوارزمشاه..... ۵۸
- ۳ - سلطان جلال الدین شاه و فتح اصفهان به دست مغولان..... ۵۹

د) اصفهان در عصر ایلخانان

- ۱ - هلاکو و تأسیس دولت ایلخانی در ایران..... ۷۲
- ۲ - اصفهان از آغاز حکومت هلاکو تا قتل بایدو..... ۷۵
- ۳ - عصیان اتابک افراسیاب و تصرف اصفهان..... ۷۷
- ۴ - اصفهان دوره ی غازانی تا فروپاشی حکومت ایلخانی..... ۸۴

فصل دوم :

اوضاع اجتماعی ، اقتصادی ولایت اصفهان در دوره مغول تا پایان حکومت ایلخانان

- الف) زندگی اجتماعی..... ۹۲
- ب) طبقات اجتماعی..... ۱۰۴
- ۱ - حکام و امراء و سپاهیان..... ۱۰۴
- ۲ - وزارت و دیوانسالاری..... ۱۰۷
- ۳ - روحانیان و علما..... ۱۰۷
- ۴ - پیشه وران و کشاورزان..... ۱۰۹

ج) مذهب و گروههای مذهبی

- ۱ - مذهب مردم اصفهان مقارن با حمله مغول..... ۱۱۱
- ۲ - خاندان بزرگ مذهبی در اصفهان.. ۱۱۵
- ۳ - بافت مذهبی شهر اصفهان در دوره مغول..... ۱۱۷

- ۴ - غازان خان و توجه به شیعیان در اصفهان ۱۲۲
- ۵ - تصوف در اصفهان عهد مغول ۱۲۷
- ۶ - بزرگان صوفیه در اصفهان ۱۲۹

د (وزارت و دیوانسالاری در اصفهان

- ۱ - پیشینه خاندان چوینی ... ۱۳۲
- ۲ - شمس الدین و عطاملک جوینی ... ۱۳۲
- ۳ - خاندان جوینی در اصفهان ... ۱۳۴
- ۴ - خواجه بهاءالدین و اقداماتش ۱۳۵
- ۵ - فرزندان رشیدالدین فضل الله در اصفهان ۱۴۴
- ۶ - دیگر وزیران در اصفهان ۱۴۶

هـ (اوضاع اقتصادی ولایت اصفهان در دوره مغول

- ۱ - مالیات ۱۴۷
- ۲ - کشاورزی ۱۵۵
- ۳ - مالکیت و تجارت ۱۶۷

فصل سوم :

اوضاع فرهنگی و هنری ولایت اصفهان در دوره مغول تا پایان حکومت ایلخانان

- ۱ - فرهنگ و هنر در جامعه اصفهان عهد مغول و ایلخانان ۱۶۹
- ۲ - شاعران و نویسندگان اصفهان در دوره مغول و ایلخانی ۱۷۴
- ۲/۱ - کمال الدین اسمعیل اصفهانی ۱۷۴
- ۲/۲ - فرید اصفهانی (احوال) ۱۷۸
- ۲/۳ - مجد همگر ۱۷۹
- ۲/۴ - بدر جاجرمی ۱۸۱
- ۲/۵ - اوحدی اصفهانی (مراغه ای) ۱۸۳
- ۲/۶ - امامی هروی ۱۸۵
- ۳/۷ - قاضی نظام الدین محمد اصفهانی ۱۸۷
- ۳/۸ - نظام اصفهانی ۱۸۸
- ۳ - معماری اصفهان در عهد ایلخانان ۱۸۹
- ۳/۱ - مسجد اشترگان (اشترجان) ۱۹۰

۱۹۳	 منارجنبان اصفهان	۳/ ۲ -
۱۹۴	 مقبره پیر بکران	۳/۳ -
۱۹۶	 بقعه جعفریه (مقبره امام زاده جعفر)	۳/۴ -
۱۹۷	 آرامگاه و مدرسه بابا قاسم	۳/۵ -
۱۹۹	 مسجد دشتی	۳/۶ _
۲۰۰	 مسجد اذیران	۳/۷ _
۲۰۰	 مسجد کاج	۳/۸ _
۲۰۱	 مناره باغ قوشخانه	۳/۹ -
۲۰۲	 محراب اولجایتو در مسجد جامع اصفهان	۳/۱۰ -
۲۰۴	 حاصل سخن	
۲۱۰	 فهرست منابع	
۲۱۹	 ضمایم	

چکیده

یکی از پر حادثه ترین و مصیبت بارترین دوران برای جامعه شهری ایران ، هجوم ویرانگر مغول است . از آنجا که تهاجمات آنان انهدام مراکز شهری و کانون های مدنی را به همراه داشت ، تأثیر عمیقی در زندگی یکجانشینی و اقتصاد مبتنی بر پایه کشاورزی در شهرهای ایران بر جای گذاشت.

با در نظر گرفتن این که مغولان زندگی ایلی متکی بر اقتصاد شبانی و کوچ نشینی داشتند ، قوانین نظام خانه به دوشی و صحراگردی بر آنان حاکم بود و آن را تقویت می کردند. از سوی دیگر جامعه شهری اصفهان ، در صدد بر آمد تا به اتکای پشتوانه ی فرهنگی و دینی خویش از ملیّت و موجودیّت خود دفاع نماید ، که طبعاً برخورد دو عنصر « ایرانی و مغولی » با فرهنگ های خاص خود ، دگرگونی ها و تأثیرات متقابلی را در پی داشت.

از نتایج بدست آمده استنباط می شود که سیاست های مغولی حاکم بر جامعه ، موجب پس رفت های مناسبات شهری گردید و جامعه ی اصفهان را دستخوش تغییرات و دگرگونی های فراوانی در مناسبات اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ساخت. ظاهراً در پایان این دوره جامعه شهری اصفهان توانست طی یک مبارزه ی خستگی ناپذیر و طولانی از موجودیّت و فرهنگ خود دفاع کرده و عناصر بیگانه را در خود مستهلک و جذب نماید. امّا نتوانست رونق و آبادانی دوران قبل از ایلغار مغول را باز یابد.

این پژوهش به استناد منابع و مدارک ، ساختار و مناسبات شهری به هنگام ورود و دوران تسلط مغولان ، تأثیرات و تغییرات متقابل دو عنصر « ایرانی و مغولی » در طول حاکمیّت ایلخانان را بررسی کرده و روند زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مردم ، ارتباط مردم با مغولان ، ارتباط اصفهان با سایر شهرها و مرکز حکومت ایلخانی ، مناسبات اجتماعی (گروههای اجتماعی ، مذهبی) ، اقتصادی و فرهنگ ، ادبیات و هنر اصفهان را مورد تحلیل و تبیین قرار می دهد .

مقدمه

هجوم مغولان به رهبری چنگیزخان به سرزمین ایران نتایج سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای در پی داشت. مغولان در نخستین هجوم خود که در سال ۶۱۶ هـ ق آغاز شد، بسیاری از شهرهای آباد ایران شرقی و خراسان آن روز، تصرف و ویران گردید. اما شهرهای مرکزی ایران تا سال‌های بعد از این تهاجم مصون ماندند.

سرانجام همین شهرهای مرکزی و غربی ایران نیز در اثر تداوم حملات مغولان یکی پس از دیگری تسلیم شدند. یکی از شهرهای آباد آن دوره ولایت اصفهان بود این سرزمین کهن مانند دیگر شهرهای مرکزی ایران در یورش اولیه مغولان از ضربات ویرانگر در امان ماند، اما در یورش‌های بعدی به سرداری جورماغون به تصرف درآمد.

تهاجمات مغولان در ادوار اولیه خود با هدف انهدام مراکز شهری، ماوراءالنهر و خراسان را مد نظر قرار داده بودند، و در نتیجه این سیاست شهرهای نواحی مرکزی ایران چون اصفهان، آن ضربات ویران‌کننده مشابه شهرهای شرقی ایران را دریافت نکردند و به عنوان مراکز شهری و کانون مدنیت مورد توجه قرار گرفتند.

سقوط اصفهان در سال ۶۳۳ هـ ق، تسخیر بسیاری دیگر از شهرهای مهم و مرکزی ایران را در پی داشت، تصرف اصفهان که بیشتر از شهرهای دیگر در برابر مغولان مقاومت کرد، در به تسلیم کشاندن ایالات مجاور آن نقش بسیار داشته است. از مهمترین آنها، ولایت فارس و لرستان است که اظهار ایلی نمودند، این قلب تپنده و مقاوم ایران پس از سال‌ها ایستادگی و مقاومت سرانجام تسلیم شد. ولی همیشه در تب و تاب و آشوب به سر می‌برد تا اینکه حکومتی یکپارچه به وسیله هلاکو در ایران به وجود آمد.

با آمدن هلاکو به ایران و تشکیل دولت ایلخانی آرامش و امنیت نسبی بر قلمرو تحت فرمان مغول بوجود آمد و در زمان ایلخانان بعدی بازسازی ویرانی‌ها، شهرنشینی و آبادانی تا حدودی دوباره از سر گرفته شد اصفهان که از دیرباز به سبب پاره‌ای امتیازات مهم طبیعی و جغرافیایی، از مراکز مهم اقتصادی، فرهنگی و مدنی ایران‌شهر بود و همچنین حاصلخیزی زمین و جریان زاینده رود که

زندگی بخش مناطق اطراف رودخانه بود ، رونق و آبادانی همیشگی جلگه اصفهان و تراکم جمعیت را در این سرزمین موجب شد . موقع خاص اصفهان در مرکز طبیعی ایران شهر و کانون ثقل راههای بازرگانی داخلی و خارجی، اهمیت اقتصادی ویژه ای به این شهر تاریخی بخشید و باعث احیای زندگی شهری و اقتصادی این ناحیه گردید. که این را می توان از گفته های مورخان یا جغرافی نویسان آن دوره به خوبی دریافت.

ابن بطوطه که در قرن هشتم چند روزی در اصفهان به سر می برده ، از آبادانی و رونق اقتصادی شهر سخن گفته است ، حمدالله مستوفی و حسین آوی نیز از فراوانی و عمران در این شهر سخن به میان آورده اند ، خود نشان دهنده این مطلب است که اصفهان در عصر ایلخانی به ویژه در دوره ی غازان خان و اولجایتو و با اصلاحات آنان که البته با توصیه وزرا و دیوانسالاران ایرانی بخصوص خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی صورت می گرفت تا حدودی روی به پیشرفت و آبادانی گذاشته است . و مانند دیگر شهرهای مهم ایران که مورد نظر دولتمردان بود از سیاست عمران و آبادانی که در این دوران به شدت دنبال می شد بهره مند گردید.

با همه ی این احوال در این دوره به جهت ویرانی ناشی از هجوم مغول و درگیریهای مکرر موجب از بین رفتن گروهها و متفکران اجتماعی گردید ، و فرهنگ غنی ایرانی را در این ناحیه برای مدت طولانی از عرصه فعالیت و پویایی دور ساخت و ظاهراً هیچ شخصیت برجسته علمی مانند کمال الدین اسماعیل در این دوره در اصفهان ظهور نکرد.

ناگفته نماند این ولایت از زمان استیلای مغولان تا فروپاشی حکومت آنان در ایران مستقیماً از طرف حکومت مرکزی ایلخانان اداره می شد و همیشه حاکمانی قدرتمند و کاردان از جانب ایلخانان به حکومت این ولایت منصوب می شدند، و گاهی اوقات هم به عنوان پایگاهی برای سازماندهی نیروهای خود جهت سرکوبی مخالفان و عصیان کنندگان علیه حکومت مرکزی ایلخانی مورد استفاده قرار می گرفت. این خود یاد آور دوران ساسانیان است که مرکزی برای گرد آمدن سپاه و سواره نظام بوده است.

یکی دیگر از مسائل حائز اهمیت این شهر در هنگام ورود مغولان وجود دو خاندان بزرگ و معتبر مذهبی (آل صاعد و آل خجند) در این شهر بود که پیوسته با هم نزاع داشتند و اختلافات مذهبی آنان باعث پریشانی و ویرانی این شهر گردیده بود. که سرانجام به دلیل همین دشمنی با یکدیگر دروازه های شهر را بر روی دشمن گشودند . هر چند این اختلافات با ورود مغولان فروکش کرد ولی با استناد به گفته مورخان در پایان همین دوره می توان تصور کرد که اختلافات مذهبی در این شهر وجود داشته حتی در دوره صفویه نیز به صورت اختلافات محله ای ادامه داشته است.

به هر روی اصفهان در دوره مغول به مانند دوره سلجوقی جزو ایالات عراق عجم بود و بر اساس تقسیمات مغولی شامل دو تومان از نه تومان عراق عجم محسوب می شد. که گویا این تقسیم بندی بر اساس نظام مالیاتی ولایات اعمال می شده است و تومانین آن سه شهر است ، اصفهان ، فارقان و فیروزان که مشتمل بر هشت ناحیه و چهارصد پاره دیه بود.

در این تحقیق سعی شده است تبادلات سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی این شهر مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و تحولات ناشی از ترکیب گروههای شهری و چادر نشین را مد نظر قرار داد. همچنین به تأثیرات متقابل گروهها در اصفهان و تغییراتی که در این راستا بوجود آمده توجه نمود و اینکه در کدام بخش ها از مناسبات اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ثبات و تداوم بیشتری وجود داشته است.

در پایان ، این تحقیق کوششی در حدّ توان بوده و نگارنده برکاستی های خود اعتراف دارد، که آن را بر کم دانشی خود مربوط می داند ، به هر حال وظیفه خود می داند تا از تلاش های خستگی ناپذیر و راهگشایی های هوشمندانه استاد بزرگوار خانم دکتر مفتاح و از راهنمایی های حکیمانه و دلسوزانه استاد گرامی دکتر احسان اشراقی و توجه و عنایت و راهنمایی های به جا و خردمندانه استاد بزرگ دکتر یوسفی فر و کمک و همراهی های سرکار خانم دکتر ترکمنی آذر و دیگر فرهیختگان که چه در طی مدت تحصیل و چه در زمان نگارش ؛ اینجانب را در فراهم آوردن این رساله یاری نموده اند کمال تشکر و قدر شناسی را داشته باشد. و از خداوند باری تعالی آرزوی توفیق و سعادت آنها را خواستار است •

الف) بیان موضوع تحقیق :

۱ - شهر اصفهان در دوره اسلامی شهری مهم و زمانی تختگاه سلجوقیان بوده است. این شهر در منطقه جبال و نواحی مرکزی ایران جنبه مرکزیت داشته است.

۲ - تهاجمات مغولان در ادوار اولیه انهدام مراکز شرق را مدّ توجه قرار داد بود، که در نتیجه این سیاست شهرهای نواحی مرکزی ایران مانند اصفهان آن ضربات ویران کننده مشابه شهرهای شرق ایران را دریافت نکردند به عنوان مرکز شهری باقی مانده ، اهمیت مضاعفی یافتند و به مانند کانونهای مدنیت و مناسبات شهرنشینی مورد توجه مهاجران و حکومتگران جدید قرار گرفتند.

۳- با عنایت به سیاست کلی مغولان که سیاست کوچ روی را در برابر سیاست زندگی یکجا نشینی تقویت می کردند، زندگی شهری اصفهان دستخوش تغییرات و دگرگونیهای مختلفی در این دوره گردید. در واقع از یک سوساختار جامعه شهری تمایل به استمرار یابی و حفظ موقعیت پیشرفته شهری راداشت و از سوی دیگر سیاست های مغولی پس رفت مناسبات شهری را به دنبال می آورد . با این رویکرد زمینه های بروز تغییرات در مناسبات اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی شهر اصفهان و نیز زمینه های اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی متمایل به ثبات و استمرار مناسبات شهری اصفهان از این نظر که نشان دهنده حوزه تداوم مناسبات شهری قبل از مغول را در اصفهان و نیز گستره تغییرات به وجود آمده در دوره مغول در این شهر است زمینه مطالعه جدی در تاریخ شهر اصفهان در دوره مغول و جانشینان آنان است .

در پژوهش حاضر بررسی وضعیت گروههای اجتماعی اصفهان و تغییرات به وجود آمده در ترکیب اجتماعی و پایگاه اقتصادی آنان و تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی آنان و نیز روابط حکومت با این گروه مورد بررسی قرار می گیرد ، بنابراین سعی می شود ارزیابی و تحلیل درستی از روند تاثیر گذاری سیاست های صحراگردان مغول بر جامعه شهری اصفهان به عنوان یک شهر نمونه ایرانی ارائه گردد.

طرح سوالات :

این پژوهش به سوالات زیر پاسخ خواهد داد. :

- ۱ - ساختار اجتماعی و فرهنگی و ترکیب گروه‌های اصلی شهرنشینان در شهر اصفهان مقارن هجوم مغولان چگونه بوده است؟
- ۲ - زمینه‌های ثبات و تداوم در کدام بخش‌ها از مناسبات اجتماعی و فرهنگی اقتصادی جامعه شهری اصفهان دیده شده است؟
- ۳ - عرصه‌های تغییر و دگرگونی در چه بخش‌هایی از مناسبات فرهنگی ، اقتصادی و اجتماعی شهر اصفهان این دوره ظاهر گردید ؟

قلمرو مکانی پژوهش :

اصفهان در مرکز فلات ایران واقع و منطقه‌ای است نسبتاً کوهستانی که از سمت مغرب در طول دره‌ی وسیعی که بستر زاینده رود است و به وسیله کوه‌های مرتفع محصور شده است. و در دوره مورد نظر از شهرهای مهم عراق عجم بوده که براساس تقسیمات مغولی شامل نه تومان بود و اصفهان در این تقسیم دو تومان عراق عجم را در بر داشت و از سه شهر اصفهان، فیروزان و فارفان تشکیل می شد که شامل هشت ناحیه و چهارصد پاره دیه بود. ظاهراً این تقسیم بندی بر اساس مالیات هر بخش صورت می گرفته است.

فرضیه های پژوهش :

- ۱ - اصفهان مقارن با حمله مغول شهر آبادی بوده است کشاورزی و تجارت در آن رونق داشته ، تشکیلات دیوانی و اداری آن براساس دیوانسالاری سلجوقی و خوارزمشاهی استوار بود.
- ۲ - روحیه تسامح مغولان نسبت به مذهب باعث دگرگونی و از بین رفتن اختلافات مذهبی گردید و طبقات اجتماعی در حال تغییر و دگرگونی قرار گرفت، تجارت و کشاورزی با توجه به قتل و غارت و از بین رفتن نفوس مردم از رونق افتاد ، تصوف و فتوت در این دوره فعال و متشکل گردید.
- ۳ - در بخش فرهنگی و علمی ثبات و تداوم دیده می شود ، صنایع و هنر به حالت توقف و زوال کشیده نشد ، دین اسلام نیز همچنان به حیات خود ادامه داد.

ب) اهداف پژوهش:

- ۱- بررسی نوع و گستره تغییراتی که در اثر غلبه جماعات کوچرو بر زندگی یکجانشینی به وجود می آمد.
- ۲- بدست آوردن تصویر روشنی از ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اصفهان در دوره مغول می باشد
- ۳- بررسی مناسبات اجتماعی و فرهنگی که در اثر این برخورد و آمیختگی در جامعه اصفهان تداوم و به حیات خود ادامه داد.

ج) پیشینه تاریخی:

درباره وضعیت اصفهان در دوره ی مورد بحث از مطالعه تألیفاتی که پس از دوران مغول تا به حال به تاریخ اصفهان پرداخته اند و اشاره ای به دوره ی مغول داشته اند می توان دریافت که هر کدام اشاره ای کوتاه و گذار به تاریخ آن دوره داشته اند که نمی توان تصویر کاملی از آن دوره بدست آورد. این منابع عبارتند از

۱- میر سید علی جناب در نگارش کتاب خود بنام اصفهان که در سال ۱۲۳۶ هـ ش نوشته شده است ، اشاره ای کوتاه به فتح اصفهان توسط مغولان و خرابی شهر و روی کار آمدن آل اینجو نموده است.^۱

۲- استاد جلال الدین همایی در تألیف کتاب خود بنام تاریخ اصفهان اشاره ای به هنر و صنایع آن دوره دارد اما بطور مختصر آن هم در عهد ایلخانی که صنایع مسیر طبیعی رشد خود را دوباره آغاز نموده و نشان می دهد این هنر در اصفهان از بین نرفته و آثاری از خود نیز بر جای گذاشته مانند کتیبه ها در محراب ها و کاشی کاری ها و بقعه ها و سراهای بزرگ مانند صفا عمر و بقعه پیر بکران.^۲

۳- دکتر لطف الله هنر فر در کتاب اصفهان اطلاعات اندکی درباره اوضاع اصفهان دوره مغول ارائه داده است .و به این دوره مانند دوره های دیگر توجه اندک داشته است.^۳

۱- جناب ، میر سید علی، الاصفهانی ، امور فرهنگی شهرداری اصفهان ، انتشارات گلها ، ۱۳۷۱

۲- همایی شیرازی اصفهانی ، جلال ، تاریخ اصفهان ، مجله هنر و هنرمندان ، به کوشش ماهدخت بانو همایی ، تهران ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، ۱۳۷۴

۳- هنر فر لطف الله ، اصفهان ، تهران ، انتشارات کتابخانه ابن سینا ، ۱۳۴۶

۴ - سیروس شفقی در کتاب تاریخ جغرافیای اصفهان بر اساس تجارب شخصی و با استناد به مدارک و مآخذ گذشته به بررسی موقعیت طبیعی، جغرافیایی و چگونگی پیدایش و اوضاع اصفهان در دوره های مختلف تاریخی پرداخته است و به تلخیص از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این شهر در دوره مغول و ایلخانان سخن گفته است.^۱

این تألیفات که تاریخ محلی اصفهان محسوب می شوند، به طور خلاصه به تاریخ اصفهان از زمان پیدایش تا اواخر دوره قاجاریه پرداخته اند، یا یکی از جنبه های اوضاع ولایت اصفهان مد نظر آنها بوده است. مثلاً استاد جلال همایی به جنبه هنری اصفهان پرداخته که همه ی دوره اسلامی را شامل می شود و به دوره مغول هم کمتر پرداخته، و به نظر می رسد دوره مغول را در تاریخ اصفهان جدا و دارای جامعه ای ایستا دانسته اند.

همچنین از منابع تحقیق پربار معاصر چون دین و دولت اثر شیرین بیانی و تاریخ مغول عباس اقبال و... می توان استفاده نمود. هر چند این گونه تحقیقات منابعی هستند که بیشتر به تاریخ سیاسی و آداب و رسوم مغولان و اقدامات آنان و وسعت قلمرو آنان پرداخته، آن هم در منطقه جغرافیایی وسیع به خصوص در منطقه شمال غربی و خراسان که از مراکز عمده حکومت مغولان و ایلخانان بوده است و در مورد ولایتی چون اصفهان بالاخص، مطالب اندک و پراکنده دارند.

بر این اساس این تحقیق قصد دارد که به بررسی تمام جنبه های (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) تاریخ ولایت اصفهان در دوره مغول به طور خاص بپردازد. پرداختن به مسائل این دوره اصفهان به طور ریشه ای و مطالعه منابع اساسی آن دوره می تواند بسیاری از ناگفته های تاریخ این ولایت را بیان نماید.

۱ - شفقی، سیروس، جغرافیای تاریخی اصفهان، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۳

د) بررسی منابع و مآخذ

بررسی منابع این رساله بر اساس حروف الفبایی نام کتاب می باشد

الاصفهان میر سید علی جناب :

کتاب الاصفهان تألیف میر سید علی جناب از اهالی اصفهان که فردی در کسوت روحانیت بوده و در علوم چون فقه و اصول ، ریاضیات و هیئت قدیم و جدید و نجوم تبحر داشته است او در سال ۱۲۸۸ هـ ش بدنیا آمد و در سال ۱۳۴۹ هـ ش وفات یافت.

کتاب الاصفهان به لحاظ محتوا مانند دائرة المعارفی است که به مطالعه وسیع درباره شهر اصفهان پرداخته است و مطالب آن مشتمل بر بنیاد اصفهان ، وجه تسمیه ، موقع جغرافیایی و طبیعی ، رجال شهر و حوادث اصفهان در دوره های مختلف با شمارش مدارس ، حمام ها ، کاروانسراها و ... و اطلاعات مختصری هم درباره تاریخ اصفهان از دوره ی اسلامی تا قاجاریه می باشد

در این تحقیق درباره ، بنای شهر ، وجه تسمیه ، موقع جغرافیایی و اطلاعاتی درباره حکومت خوارزمشاهیان ، اسماعیلیه و وزارت و حکومت خواجه بهاءالدین و خاندان مظفر در این شهر می توان بهره برد.^۱

میر سید علی جناب به جز کتاب الاصفهان ، اثر دیگری به نام مشاهیر اصفهان (درباره شخصیت های بزرگ اصفهان) دارد که می توان درباره زندگی بزرگان این شهر اطلاعاتی بدست آورد.

تاریخ جهانگشای جوینی^۲ : اثر علاءالدین ابو مظفر عطاملک بن بهاءالدین محمد جوینی می باشد او در سال ۶۲۳ هـ ق در ناحیه جوین نیشابور به دنیا آمد. عطاملک از خاندان بزرگ جوینی صاحب دیوان می باشد و در سن جوانی به خدمت امیر ارغون آقا در آمد و سپس به هنگام ورود هلاکو به ایران از طرف امیر به هلاکو معرفی شد. او در همه ی سفرها و جنگ ها همراه هلاکو بود تا اینکه پس از فتح بغداد به دست هلاکو ، عطاملک در سال ۶۵۷ هـ ق به حکومت بغداد و عراق و خوزستان گمارده شد.^۳ عطا ملک در بغداد به مدت بیست و چهار سال در سمت خود باقی ماند تا در سال ۶۸۱ هـ ق در موقان وفات یافت.

کتاب جهانگشای جوینی اثری ارزشمند و یکی از معتبرترین و دقیق ترین منابع تاریخی است که

۱. جناب ، ص ۲ ، ۴ ، ۱۵ ، ۴۹ ، ۵۰ ...

۲. جوینی ، عطاملک محمد ، تاریخ جهانگشای ، به سعی و اهتمام و تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی ، تهران ، فردوس ۱۳۸۵ ، ج ۱ ، ۲ ، ۳

۳. همان ، ص ۴۰

از دوره ی استیلای مغول و احوال آنان تا زمان سلطان احمد ایلخانی نوشته شده است. این اثر از منابع متقدمی می باشد که مؤلف خود شاهد وقایع استیلای قوم مغول و اقدامات آنان بر سرزمین ها بوده ، و از شیوه حکومت ، اعتقادات و آداب و رسوم آنان آگاهی داشته است^۱.

جهانگشا گذشته از اینکه یک اثر تاریخی است از نظر ادبی و هنری نیز دارای اهمیت است هر چند نگارش این کتاب به شیوه مُنشیانه و مصنوع و تکلف آمیز است و از واژه های مغولی و عربی زیادی استفاده شده است. امّا به مانند برخی از آثار مصنوع خسته کننده و ملال آور نیست و درعین رعایت صنایع ادبی از معنا و مفهوم غافل نمانده است و در جای جای آن عبارت های ساده و روان بی پیرایه دارد.

این اثر ارزشمند در سه جلد تدوین شده است :

جلد اول : در شرح ظهور چنگیز و فتوحات او در ماوراءالنهر و خراسان ، انقراض خوارزمشاهیان ، سلطنت اوکتای ، گیوک ، احوال جوجی و جغتای

جلد دوم : در تاریخ سلاطین خوارزمشاهی و حکام مغولی مستقر در ایران
جلد سوم : در تاریخ منگوقاآن و فتح قلاع اسماعیلیه و بغداد به دست هلاکو و استقرار حکومت ایلخانی در ایران تا زمان سلطان احمد تکودار

این اثر درباره اصفهان دوره مغول در بخش سیاسی از استقرا حکومت خوارزمشاهیان ، سلطان تکش ، محمد خوارزمشاه و فرزندانش به خصوص سلطان جلال الدین و نبردهای او با مغولان در اصفهان^۲ ، همچنین از نصب والیان و امیران خوارزمشاهی و سپس شحنگان مغول سخن گفته است. این تحقیق در بخش های اجتماعی و اقتصادی و مسائل مربوط به طبقات اجتماعی ، مالیات ها ، چگونگی مذهب اصفهان ، طرز حکومت و شیوه برخورد متقابل ، و نحو زندگی مردم شهر و وضعیت فرهنگی آنان مقارن با ورود مغولان سخن به میان رفته است. که از این منبع استفاده بسیار برده است.

تاریخ الکامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران) اثر عزالدین علی بن ابن اثیر (الاثیر)^۳

ابن اثیر یکی از مورخان بزرگ اسلامی قرن هفتم هجری است او از علوم زمان خود بهره کافی را داشته و اطلاعات و آگاهی های او از سرزمین های اسلامی فراوان بوده که توانسته است تاریخ

۱ . صفا ، ذبیح الله ، تاریخ ادبیات ایران از اوایل قرن هفتم تا پایان قرن هشتم ، تلخیص از محمد ترابی ، تهران فردوس ، ۱۳۸۴ ، ج ۲ ، ص ۲۱۶

۲ . جوبنی ، ج ۲ ، ص ۸۲۵ ، ۵۳۱ ، ۵۳۴ ، ۶۵۵ ، ۶۵۶ ، ۷۴۱ ، ۷۴۲

۳ . ابن اثیر ، عزالدین ، تاریخ کامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران) ج ۱ ... ۲۹ ، ترجمه ابوالقاسم حالت و علی هاشمی حائری ، تهران ، انتشارات علمی ، ۱۳۶۸

عمومی سرزمین های اسلامی را تا پایان حیات خود یعنی سال ۶۲۸ هـ ق در نهایت دقت به زبان عربی نگارش کند. کتاب او توسط چند فارسی زبان به نامهای عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت تا جلد نهم (۲۷ مجلد) به فارسی ترجمه شده است.

این اثر تاریخ عمومی است که شامل وقایع سرزمین های اسلامی اعم از بین النهرین ، ماوراءالنهر ، خراسان ، عراق عجم ، حجاز ، شام و . . . و شرح وقایع تاریخی از آغاز خلقت طبق عقاید مورخان اسلامی ، یعنی از آفرینش حضرت آدم تا بعثت حضرت محمد (ص) همچنین تاریخ قدیم ایران از پادشاهان کیانی تا انقراض ساسانیان و ظهور اسلام به بعد و وقایع دوره های اسلامی تا سال ۶۲۸ هـ ق است نکته قابل ذکر درباره این کتاب از ظهور اسلام به بعد وقایع تاریخی را سال به سال نقل کرده است اما در پاره ای موارد صحت تاریخ ها و وقایع آن جای تأمل دارد.

مطالب این اثر را از آن جهت می توان در مورد این تحقیق با ارزش دانست که زندگی مورخ همزمان با استیلای مغول بوده و از لحاظ زمانی او نخستین مورخی است که وقایع زمان قراختایان و خوارزمشاهیان را تا اواخر سلطنت جلال الدین مینکبرنی گردآوری کرده و در بیان وقایع نهایت دقت را به کار برده است. به همین جهت کتاب ابن اثیر یکی از منابع مهم اوایل تاریخ مغول به حساب می آید.

تاریخ ابن اثیر اطلاعات فراوانی از نظر سیاسی - روی کار آمدن خوارزمشاهیان ، حکومت فرزندان سلطان محمد خوارزمشاه در اصفهان و رابطه اصفهان با ولایات اطراف - و از نظر اجتماعی طرز زندگی مردم در آن روزگار ، مذهب و گروههای مذهبی شهر ، والیان و حکام ، وضعیت شهر و نقش خلیفه و اسماعیلیه در برخورد با حکومت های منطقه و ظهور مغول ، همچنین از نظر فرهنگی به وضعیت علم و هنر و ذکر احوال بعضی از علما و شاعران پرداخته که در این تحقیق از مسائل فوق استفاده شده است.

تاریخ گزیده^۱ : حمدالله مستوفی مؤلف کتاب تاریخ گزیده اهل قزوین و از زمره ی مورخان و مؤلفان و مستوفیان بزرگ سده ی هشتم هجری است که در آغاز جوانی به خدمات دیوانی مشغول شد او به مرور از نزدیکان خواجه رشیدالدین فضل الله گردید و در سمت دیوانی مشغول به کار شد. و بعد از قتل خواجه رشیدالدین در سال ۷۱۸ هـ ق در شمار ملازمان خواجه غیاث الدین محمد در آمد. او در سال ۶۸۰ هـ ق در قزوین بدنیا آمد و در سال ۷۴۰ هـ ق وفات یافت و در زادگاهش به خاک سپرده شد.^۲

۱. حمدالله مستوفی ، تاریخ گزیده ، ابی بکر بن احمد بن نصر، به سعی و اهتمام اقل العباد ، ادوارد برون انگلیسی ، لندن ، ۱۳۲۸

۲. صفا ، ج ۲ ، ص ۲۲۹

تاریخ گزیده خلاصه ای از تاریخ عمومی عالم از ابتدای خلقت و تاریخ اسلام و ایران تا عهد مؤلف (۷۳۰ هـ ق) به نام خواجه غیاث الدین محمد پایان یافته است در پایان این کتاب ، دو فصل دیگر یکی در تاریخ علما و شعرای عرب و عجم و دیگری در تاریخ قزوین و شرح احوال بزرگان آن شهر به کتاب افزوده است. این اثر از لحاظ تاریخ ادبیات نیز حائز اهمیت است.

تاریخ گزیده در چگونگی هجوم و استیلای مغولان و طرز حکومت آنان و اقدامات و زندگی اجتماعی و سیاسی مردم ایران در آن عهد مطالب ارزنده ای دارد. این تحقیق و در مورد اصفهان از چگونگی تصرف اصفهان بدست مغولان و حاکمان و شحنگان اصفهان ، وضعیت مذهبی ، نقش و ارتباط این ناحیه با ایالات دیگر ایلخانی ، نقش خاندان وزارت در اصفهان ، اوضاع مالی و مالیاتی ، کشاورزی ، برخورد مردم این ناحیه با مغولان و دولت ایلخانی ، تأثیر اصلاحات غازان خان ، بزرگان مذهبی و علمی شهر و سرانجام پایان کار آنان از این منبع استفاده کرده است.

تاریخ وصاف^۱ : نویسنده این اثر ادیب شهاب الدین عبدالله شیرازی ملقب به « وصاف الحضرة » از ادیبان و مورخان و شاعران قرن هفتم هجری است او در سال ۶۶۳ هـ ق در شیراز به دنیا آمد و در اوایل جوانی توانست به خدمت ایلخانی در آید.

عبدالله شیرازی نگارش کتاب خود را از سن ۳۴ سالگی یعنی در سال ۶۹۷ هـ ق شروع نمود و در سال ۷۱۲ هـ ق آن را به سلطان اولجایتو تقدیم نمود بعدها هم قسمت های دیگر را تا سال ۷۲۸ هـ ق به مطالب این کتاب افزود^۲ این کتاب ارزشمند با ذکر اطلاعاتی درباره ی قآآن مغول (منگوقاآن ، قوبیلای قآآن، تیمور قآآن) به بررسی تاریخ ایلخانان ایران از هلاکو تا ابوسعید ایلخانی و امرای محلی معاصر آنان چون اتابکان فارس و لرستان و پادشاهی دهلی پرداخته است.

اهمیت تاریخ وصاف در این است که چون مؤلف در دستگاه دیوانی خدمت می کرده و با بزرگان و امرای مغول آشنایی داشته و وقایع را از زبان آنها بطور مستقیم شنیده و از نزدیک شاهد وقایع آن دوره بوده است ، می توان تاریخ او را یک سند معتبر و قابل اعتماد در تاریخ مغول و ایلخانان ایران به حساب آورد. اما در نگارش این کتاب با عبارت پردازی و استفاده از واژه ها و کلمات دور از ذهن ، سجع ها ، مترادفات و استفاده زیاد از آیات و اشعار عربی در کتاب خود ، دارای نثری دشوار و مصنوع می باشد و مطالعه آن برای خوانندگان خسته کننده می نماید ، به همین خاطر عبدالمحمد آیتی این اثر را با نثری ساده و روان در یک جلد تلخیص نموده است.^۳

۱. وصاف الحضرة، فضل الله بن عبدالله شیرازی، تاریخ وصاف، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، تهران، کتابخانه ابوعلی سینا، ۱۳۳۸

۲. آیتی، عبدالمحمد، تحریر تاریخ وصاف، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳

کتاب تاریخ وصاف حاوی اطلاعات مهمی درباره ایلخانان و خاندان جوینی و ارتباط آنان با اصفهان و شرح احوال حکام و امیران و شحنگان منصوب از طرف ایلخان در این شهر چون بهاءالدین محمد جوینی، امیر محمد ایداجی و خرمنچی و شورش اتابکان لر و تصرف اصفهان در نتیجه قتل عام دوباره شهر و اهمیت آن به عنوان یک پایگاه نظامی برای سرکوبی عصیان های ولایات فارس و کرمان ویزد است که این تحقیق در بخش های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی (روحانیان، مذهب، شیوه و نوع حکومت، وزارت، کشاورزی، ساختن بنا) از این اثر استفاده کرده است.

تذکرۃ الشعراء دولتشاه سمرقندی^۱:

دولتشاه سمرقندی یکی از تذکره نویسان بنام قرن نهم هـ ق است وی نام و نسب خود را چنین بیان می دارد « دولتشاه بن علاء الدوله بختشاه الغازی السمرقندی » پدرش فردی صاحب جاه و مقام بود او هر چند از خانواده ثروتمند بود اما شرح حالش حاکی از آن است که مدتی از عمرش را در تنگدستی و وامداری سپری نموده است.

تاریخ تولد دولتشاه بدرستی معلوم نیست اما از آنجا که خود می گوید به هنگام تألیف کتاب در سال ۸۹۲ هـ ق در پنجاه سالگی بسر می برده، تاریخ تولدش حدوداً ۸۴۲ هـ ق می باشد.

تذکرۃ دولتشاه سمرقندی یکی از نخستین تذکره های زبان فارسی است که مؤلف برای نخستین بار مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان شاعران را مورد توجه قرار داده و این مسائل را به عنوان پدیده اثر گذار در سر گذشت شاعران و شعر فارسی می داند. پس این اثر از حیث توجه به جنبه های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی زمان شاعران پیشگام بوده و تذکره نویسان پس از او از شیوه او پیروی کرده اند.

دولتشاه علاوه بر زندگی شاعران به شرح حوادث تاریخی و اسباب و علل نبردها، درگیریهای خانوادگی سران قدرت (برادر کشی جنگ و ستیز بین خاندان حکومتگر) پرداخته است و بر خلاف بعضی از نویسندگان تا آنجا که توانسته جانب شخص یا گروه خاصی را مد نظر نداشته است و از لحاظ اینکه او با حکومت تیموریان ارتباط داشته اطلاعات مهمی درباره حکومت مغول (ایلخانان، دوران فترت) و تیموریان در اختیار آیندگان گذاشته است که قابل استناد است.^۲ اما از اینکه نویسنده دسترسی به تمام اطلاعات مستند و مکتوب را نداشته است پاره ای از مطالب اصلی یا شرح

۱. دولتشاه سمرقندی، بن بختشاه الغازی، تذکرۃ الشعراء، مقدمه و تصحیح و توضیح، دکتر فاطمه علاقه، تهران، پژوهشگاه

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵

۲. همان، ص، ۱۸۶، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۷۲، ۳۸۰

حال شاعران بزرگ به دست فراموشی سپرده شده و از بیان تاریخ زندگی این شاعران سخنی به میان نیاورده است همچنین در پرداختن به مطالب از روی نظم و ترتیب عمل نکرده و در این نوشته انسجام در موضوعات تاریخی وجود ندارد و تقریباً پراکنده و از هم گسیخته می باشد.

تذکره الشعراء به هفت طبقه با یک مقدمه و خاتمه تقسیم شده است و نثر آن ساده و قابل فهم است اما در جای جای آن با استفاده از لغات عربی و امثال و آیات نثر آن را تا حدودی دشوار ساخته است.

از این اثر می توان در بخش سیاسی (به حکومت رسیدن شاهان و سپس حکام) و در بخش اجتماعی از وضعیت مذهب و گروههای مذهبی و وزرا و عزل و نصب حکام در اصفهان مورد توجه قرار داد. از وضعیت فرهنگی (زندگی و شرح حال بعضی از شاعران و دانشمندان اصفهانی) اطلاعاتی ارزنده دارد که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

ترجمه محاسن اصفهان ۱ :

این اثر در اصل ترجمه کتاب محاسن اصفهان تألیف مفضل بن سعد بن حسین مافروخی اصفهانی (متوفی به سال ۴۵۸ هـ ق) که یکی از مهمترین منابع تاریخ و فرهنگ اصفهان به شمار می آید مافروخی در این کتاب علاوه بر پرداختن به تاریخ شهر اصفهان در قرن های اولیه اسلامی به آثار و ابنیه تاریخی و آداب و رسوم ، فرهنگ اجتماع و مردم ، جغرافیا و آب و هوای شهر توجه داشته است همچنین درباری محدثین ، فقها ، ادبا ، شعرا و ریاضی دانان اصفهان از قرن دوم تا پنجم هجری سخن گفته است.

از احوال مترجم کتاب اطلاع چندانی در دست نیست همین قدر از اشاراتی که خود مؤلف در طی تألیف به احوال خویش نموده معلوم می شود که او از سادات آوه بوده و در جوانی از آنجا به کاشان و سپس به اصفهان آمده و در این شهر ساکن شده است.

این کتاب در قرن هشتم هجری توسط حسین بن محمد بن الرضا علوی آوی به زبان فارسی ترجمه شده است. آوی در نگارش کتاب خود مطالب تازه ای از تاریخ اصفهان به خصوص راجع به دوره ی آخر حکومت ایلخانی به اصل کتاب افزوده و آن را به صورت اثری مستقل ارائه داده است، بدین گونه که ترتیب عربی محاسن اصفهان را در ترجمه خود رعایت نکرده و مطالب آن را به میل خود ، در طی هشت باب مرتب ساخته و مطالبی نیز به آن افزوده است و پس از اتمام در سال ۷۲۹

۱. آوی حسین بن محمد بن ابی الرضا علوی ، ترجمه محاسن اصفهان، قرن ۸ ، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی ، اصفهان ، سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان ، ۱۳۸۴

هـ ق به خواجه غیاث الدین محمد ، وزیر ابوسعید اهداء نموده است.

کتاب فوق از این نظر در این تحقیق دارای اهمیت است. که حسین آوی در عهد ایلخانان (اولجایتو ، ابوسعید) در اصفهان می زیسته و با بزرگان و صاحبان قدرت آن دوره شهر ، مثل افراد خاندان صاعدی ، خواجه شمس الدین محمد بن نظام الدین یزدی و امیر مظفرالدین شیخ علی ، شجاع الدوله البنانی الاصفهانی معاشرت داشته و از خوان نعمت آنها بهره برده است

در این اثر از اوضاع اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی چون تجارت ، کشاورزی ، صنایع دستی ، معماری ، مساجد ، بازارهای پر رونق ، کاروانسراهای عالی ، حکام و بزرگان اصفهان در عهد مغول سخن گفته شده که استفاده فراوانی از آن در این تحقیق شده است.^۱

جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی^۲:

خواجه رشیدالدین فضل الله پسر ابوالخیر از مردم همدان است که در سال ۶۴۸ هـ ق به دنیا آمد، اصل خاندان او یهودی که به شغل طبابت و کارهای دیوانی مشغول بودند. خواجه رشیدالدین در جوانی به تحصیل فنون مختلف خاصه علم و طب پرداخت و در عهد آباقاآن به عنوان طبیب وارد دستگاه ایلخانی شد تا در زمان غازان خان به مقام وزارت رسید و این پست را در زمان اولجایتو حفظ نمود اما در آغاز کار سلطنت ابوسعید بر اثر تحریک تاج الدین علیشاه و عده ای از امرای مغول در سال ۷۱۸ هـ ق در سن هفتاد دو سه سالگی به قتل رسید^۳.

رشیدالدین فضل الله علاوه بر وزارت و کارهای سیاسی و دیوانی ، مورخی توانا ، دانشمند و نویسنده ای فاضل و مردی بزرگ بود ، او در بسیاری از مناطق ایران و مملکت ایلخانی مدرسه ها ، دارالسیاده ها ، کتابخانه ها و موقوفات خیریه احداث کرد، ربع رشیدی او در تبریز نمونه ای از آنهاست. دیگر آثار به جای مانده از او عبارتند از : مفتاح التفاسیر ، رساله سلطانیه ، بیان حقایق ، مکاتیب رشیدی و سوانح افکار^۴.

۱. آوی ، ص ، ۴۷ ، ۴۹ ، ۵۰ ، ۵۲ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۹۱ ، ۹۲ ، ۱۱۵ ، ۱۱۶

۲. رشیدالدین فضل الله همدانی ، جامع التواریخ ، به تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی ، تهران ، نشر البرز ، ۱۳۷۳ ، ج ۱ ، ۲ ، ۳

۳. عبدالرزاق سمرقندی ، کمال الدین ، مطلع سعدین و مجمع بحرین ، به اهتمام عبدالحسین نوایی ، تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی پژوهشگاه ، ۱۳۷۲ ، ص ۶۴

۴. صفا ، ج ۲ ، ص ۲۲۳

جامع التواریخ کتاب مفصلی است در تاریخ و احوال اقوام مغول به خصوص خاندان چنگیزی از اجداد چنگیز خان تا پایان کار غازان خان که بعد از فوت غازان خان به امر اولجایتو ادامه یافت تا در سال ۷۱۰ هـ ق به اتمام رسید، این اثر مشتمل بر بیان نبردهای چنگیزی و فرزندانش، عادات و رسوم، اخلاق و رفتار، شیوه زندگی مغول، اقدامات آنان و کلاً اوضاع اجتماعی و اقتصادی سرزمین های تابعه امپراتوری وسیع مغول می باشد.

رشیدالدین به امر غازان خان این اثر را نوشت و از آنجا که فردی دیوانسالاری بود و به اسناد و منابع دولتی از جمله آلتان دفتر دسترسی داشت همچنین از مشاهدات شخصی و روایات امیران مغول به ویژه غازان خان که به انساب مغولان آگاهی داشتند و از تقریرات شفاهی پولاد چینگ سانگ سفیر خاقان چین در دربار ایلخانان بود و با بهره گیری از امکانات وسیع و دستیاران و نویسندگان ایرانی توانست این چنین تاریخ جامعی را تألیف کند، که بعدها منبعی ارزشمند جهت استفاده دیگر مورخان چون تاریخ گزیده، فخر بناکتی، حافظ ابرو، خواندمیر و... در آثارشان قرار گرفت.^۱

هر چند این کتاب بیشتر گزارش زندگی، رفتار و اقدامات مغول می باشد اما در عین حال آگاهی های مفید و قابل توجه از زندگی اجتماعی، طبقات گوناگون جامعه مذهب، دیوانسالاران، نویسندگان تجارت، کشاورزی و مالکیت آن روز آسیای میانه، ایران تا شام را بدست می دهد.

نگارنده این اثر ارزنده مطالبی مهمی درباره اصفهان عهد مغول بدست آورده که می توان تا حدودی از اوضاع اجتماعی و سیاسی و تأثیرات متقابل جامعه کوچ رو در شهر اصفهان آگاه شد. اطلاعاتی درباره ی امور شهری، عزل و نصب حاکمان اصفهان که همیشه از طرف حکومت مرکزی ایلخانی به این ناحیه اعزام می شدند و اهمیت این شهر برای ایلخانان و وزیران قدرتمند ایلخانی چون صاحب دیوان شمس الدین محمد جوینی^۲ و رشیدالدین فضل الله که هر کدام از لایق ترین افراد یا خویشاوندان خود را به ولایت داری آنجا می فرستادند، نیز به دست آمده.

همچنین اطلاعاتی درباره اوضاع اجتماعی (سازمان اداری، زبان، مذهب، آداب و رسوم، طرز معیشت، دستگاه حکومتی شهر و...) و اوضاع اقتصادی (مالیات، کشاورزی، مالکیت و اصلاحات غازان خانی) که باعث بنیاد روستاها و احداث مکانهای خیریه گردید، مجموعه یافته هایی از این منبع می باشد.

۱. رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، ج ۱، ۵۵، ۵۸، ۷۵

۲. همان، ج ۲، ص ۱۰۶۱